



کیوان میرهادی

اجرای متالیکا به همراه ارکستر سمفونیک سانفرانسیسکو

هوی متال و سمفونی؛ تقابل پست مدرنیستی دو دنیا

سولیست‌های متالیکا در میان‌سالی خود به طرز محجوب وارد صحنه شده و به پوشیدن لباس‌های رسمی در برابر ارکستر سمفونیک رضایت می‌دهند. آرایش موها و ریش‌ها و طراحی دکمه سردست با طرح جمجمه و استخوان، هدنگ‌ها و بالا و پایین پریدن‌ها، گیتارهای بی‌سیم، اینستالیشن‌های مخصوص نور صحنه، وایداسکرین و صداهای گوشخراش آمپلی‌فایرها و دیستورشن‌های مخصوص این نوع کنسرت‌ها همگی در کنتراست با صدای طبیعی و حالت موقر ارکستر سمفونیک لحظاتی بدیع و فراموش‌نشده‌ای از دیالوگ دو نوع متفاوت از رفتار موسیقایی را به نمایش می‌گذارند؛ حتی دوربین از شکار تماشاچیان کراوات زده و قیافه‌های معمولی پنجاه‌سال به بالا که دستشان را به حالت H درآورده و روی صندلی خود بند نیستند نیز غفلت نمی‌کند، دیگر از آرشه ویلن سل پاره شده و نوازندگان خیس عرق نمی‌گوییم که انگار ۹ تا سمفونی بنهون و یک پرستش بهار استراوینسکی را با هم در یک شب اجرا کرده باشند!

مرحوم منوهین ویلنیست انگلیسی، روزی به مرحوم گلن گولد پیانیست کانادایی می‌گفت که: «برای من مسأله ژست در موقع اجرای موسیقی هر دوره تفاوت می‌کند یعنی وقتی موسیقی باروک یا کلاسیک می‌نوازم باید شق و ررق بایستم، وقتی موسیقی رمانتیک می‌نوازم باید بدنم را تاب بدهم و وقتی موسیقی معاصر به دست می‌گیرم باید حرکات دیوانه‌وار از خود در آورم.»

این جور کارها بسته بودند. حتی در دهه‌های هفتاد و هشتاد از قرن بیستم، گروه‌های Yes و Deep Purple نیز آثار خود را به همراه ارکستر سمفونیک و گروه کر اجرا نموده و حتی رهبر یکی از این اجراها ویلیام دالتون بوده است که در زمره میراث فرهنگی امپراتوری بریتانیا در تاریخ موسیقی ثبت شده است.

می‌دانیم که موقع رسانس اروپا، سازی به اسم لوت (عود) ساز محبوب دربارها و مردم عادی بود و اگر در دوره‌های کلاسیسیسم و رومانسیسم، پیانو و ویلن گوی سبقت را از دیگر سازها ربوده بودند اکنون، در قرن بیست و یکم، رهبری بلامنازع گیتار الکتریک و سیطره آن برکل موسیقی پاپ و راک و زیرمجموعه‌های فرهنگی آنان چیزی نیست که به راحتی بتوان نادیده‌اش گرفت. اما چیزی که باعث می‌شود تا این کنسرت را از انواع مشابه تاریخی‌اش تفکیک کنیم این است که از زمان حذف ساز آرگ از گروه‌های هارد راک و ظهور پدیده هوی‌متال، به زعم نگارنده، این اولین اجرای صحنه‌یی هوی‌متال است که دارای پرسپکتیو صدایی لازم بوده و جای خالی آرگ را با رنگ‌آمیزی بهتر و شفاف‌تر از آرگ یعنی ارکستر سمفونیک گران‌قیمت پر می‌کند و موسیقی تخت و بدون نوازیس هوی‌متال را وارد مرحله جدیدی از تکامل خود می‌سازد و دست در دست تصویربرداری هوشیارانه و منحصر به فرد کارگردان تلویزیونی خاطره‌یی زیبا در یاد بینندگان این اجرا می‌گذارد.

کنسرت آوریل ۱۹۹۹ متالیکا به همراه ارکستر سمفونیک سانفرانسیسکو تحت عنوان S&M انگیزه‌یی شد تا ثابت کند غربی‌ها پدیده‌های فرهنگی دست ساخت خودشان را نیز چگونه با شجاعت مخلوط کرده و به سنتزی نوین می‌رسند. دو دنیای متفاوت موسیقی هوی‌متال و ارکستر سمفونیک کلاسیستی این بار در یک تقابل پست‌مدرنیستی درصدد دیالوگ برآمده‌اند. از قضا می‌توان پیشاپیش حدس زد که هر دو گروه به دنبال جلب شنوندگان بیشتری از طرفداران طرف مقابل بوده و لازم به ذکر است که آرون کاپلند نیز قبلاً برای تشویق جوانان به موسیقی کلاسیک، ترویج Jazz و امتزاج آن با موسیقی کلاسیک را پیشنهاد کرده بود. حال می‌بینیم که در اجرای متالیکا و سانفرانسیسکو، ارکستر در نقش عضو پنجم گروه در آمده و امر ضمیمه شدن ارکستر مانند آن است که فیلمی بر اساس روایات ترانه‌یی متالیکا به وجود آمده باشد. رهبر ارکستر سمفونیک اظهار داشته است که سولیست‌ها و نوازندگان زیادی با آن‌ها برنامه اجرا کرده‌اند ولی این کنسرت چیز دیگری بود... «من در حال حاضر می‌توانم در هر دو دنیا زندگی کنم، کما این که می‌دانم همین بلا هم سر متالیکا آمده!...»

البته تلفیق موسیقی پاپ و Jazz با موسیقی کلاسیک امر تازه‌یی نیست و موسیقیدانانی از قبیل گرشوین، استراوینسکی، کاپلند، دوک الینگتن، راول و برنستین (در ایران برنشتاین) قبلاً کمر همت به ساختن

گلن گولد نیز سرش را در تأیید حرف‌های منوهین تکان می‌دهد و ژست این دو نوازنده متین و الگوی نوازندگان متین کلاسیک دنیا در خلال و در پایان اجرای قطعه فانتزی شوئنبرگ برای ویلن و پیانو دیدنی است. انگار هر دوازده جنگ برگشته باشند! این مثال برای آن دسته از عصا قورت داده‌های وطنی آورده شده که به کمتر از بتهوون و باخ رضایت نمی‌دهند.

طبیعت موسیقی متالیکا هموفونی و پلی‌ریتمیک است یعنی یک نغمه مرکزی (ملودی) با هارمونی سبک قرن نوزدهم به علاوه هارمونی پنجم‌ها و چهارم‌ها خیلی روان و نرم با اشعار اعتراض‌آلود مخلوط گشته و دست در دست هم به پیش می‌روند. ملودی‌های زیبا با تغییرات شدید ولی حساب شده ضربی برای خود جهانی تمام و کمال اند و انگار شنونده را به شنیدن قصه‌ی دعوت می‌کنند که در آن هزار زیر و بم یافت شود. هر ترانه این کنسرت برای خود کامل است و رهبر ارکستر برای ملودی‌های هر ترانه، ملودی‌ها یا که همراهی‌های فرعی نوشته است. گاهی فیگورهای ملودیک را در سازهای بادی برنجی پخش می‌کند تا باشکوه‌تر شود و گاهی ریتم‌های موجود را در بین زهی‌ها سرشکن می‌کند، گاهی هم اصلاً سکوت کرده و

صحنه را به متالیکا می‌سپارد. به دلیل این که این موسیقی از بیخ و بن اعتراضی بوده و صداهای گوشخراش نیز در نهایت درجه بلندی است، لذا آلتراسیون‌هایی که برای استراحت گوش شنونده لازم است، از طریق کم شدن حجم سازها و تقلیل آن‌ها گاهی به حد یک یا دو ساز یا یک یا دو گروه نوازنده حاصل می‌گردد. عمق موسیقی متالیکا را ریتم قوی و متغیر هوشیارانه‌ی تشکیل می‌دهد اما این امر باعث نمی‌گردد تا از ملودی‌های زیبا و روان غافل شویم. این ملودی‌ها در میان هیاهو و سروصداهای عمداً گوشخراش بیان می‌شود که اصلاً زیبایی‌شناسی رفتاری این نوع گروه‌ها یعنی «کمپ» است و طرفداران پروپا قرص خودش را دارد و شنونده معمولی که می‌خواهد تازه با این نوع موسیقی ارتباط بیابد، باید نهایت ظرافت را در شنیدن صحیح این ملودی‌ها و اشعارشان و درک

غنا و لیرسم آنان که عمداً به شکل خشونت‌باری بیان می‌شود اعمال کند.

در این جا ذکر یک نکته خالی از فایده نیست و آن این که، تنظیم‌های کلاسیک برای ارکستر سمفونیک توسط یک نفر که وظیفه آهنگسازی را به عهده دارد انجام می‌گیرد و وظیفه و حالت نوازندگی هر ساز، دقیقاً برای هر کدام تعیین شده و در پارتیتور روبه‌روی نوازنده ثبت است، این امر منجر به آن می‌شود که یک ارکستر سمفونیک غول‌پیکر روز ۲۰ آوریل تمرین کند و ۲۱ آوریل کنسرت دهد.

از سوی دیگر، موسیقی گروه‌هایی نظیر متالیکا به وسیله یک یا دو نفر از اعضاء، در ضمن تمرینات، پیشنهاد شده و گروه در خلال نوازندگی به توافق می‌رسند و بعداً پارتیتور قطعات به وسیله کمپانی‌های طرف قرارداد به چاپ می‌رسد. این یعنی نوعی حالت بین بدیهه‌سرایی و ثبت دقیق موسیقی که موسیقی کلاسیک همجو پدیده‌ی را در طول تاریخ تکاملی خود طی کرده است و این کنسرت به نوبه خود تلاشی قابل ارزش است در جهت ثبت دقیق نوعی از موسیقی راک که در تاریخ این نوع موسیقی ماندگار بوده و سندی معتبر به شمار خواهد رفت، گرچه هزینه‌های زیاد و سنگین چنین پروژه‌هایی از پس هر گروهی بر نمی‌آید و نیازمند تقوّل و جسارت فراوان است.

هر چهار نفر گروه متالیکا در حدّ خود شاعرند و آهنگسازند و مؤلف؛ و برای به کرسی نشاندن حرف خود دست در دست ارکستر سمفونیک به یک کلام: «جان می‌کنند» که این امر میزان تعهد آنان را به موسیقی می‌رساند. پس شاعر امروز یعنی شاعر الکترونیک دیگر نمی‌تواند کنار گل و جوی آب بنشیند و به بی‌نهایت خیره شود و از جدایی معشوق بسراید بلکه فیش گیتار را درون آمپلی فایر کرده و نعره‌زنان بالا و پایین می‌پرد و عرق می‌ریزد و حتی وسط قطعات قهقهه دیوانه‌وار سر می‌دهد و این گونه از متافیزیک است که بیننده معاصر و متجدد را راضی کرده و مسحور می‌سازد.

اغلب ملودی‌های به کار رفته در آثار متالیکا، تکراری و تقلیدی است و فقط این گروه از ضعف حافظه

نسل‌های بعد از خود استفاده کرده و این ملودی‌ها را با حلیه‌ی پست‌مدرنیستی از آن خود کرده است. فی‌المثل ترانه Nothing Else Matters همان House of the Rising Sun اثری مودی بلوز است. دیگر ترانه Minus human که اصلاً Funky (نوعی Jazz) است و حتی ملودی اصلی Memory Remains فولکلور ایرلند است و بسیاری نمونه‌های دیگر. ولی فرقی نمی‌کند و من حیث‌المجموع تمام این‌ها از حالا به بعد با اسم این گروه پیوند خورده و ثبت گردیده است.

موسیقی هوی متال با کنسرت ۲۱ آوریل ۱۹۹۹ متالیکا شاید به آخر راه خود رسیده باشد. این فواره با شکوه فراوان به نقطه اوج خود رسید و باید دید بعد از سرریز شدن چه خواهد شد... مطمئناً متالیکا دیگر آن متالیکای سابق نخواهد بود. نگارنده جرات می‌کند و ترانه No Leaf Clover را اول به دلیل عنوان شکسپیری و ارکستراسیون بدیع و دوم، سلیقه در انتخاب رنگ تنالیتیه و فراز و نشیب‌های ریتمیک و سوم به دلیل اجرای زیبای گروه و دست آخر و از همه مهم‌تر، خوانندگی پر شور و دراماتیک جیمز هتفیلد به عنوان ترانه انتخابی این آلبوم و اوج پدیده موسیقی هوی‌متال برمی‌گزیند.

(الف)

James Hetfield - Guitars, Vocals

Lars Ulrich - Drums

Kirk Hammet - Guitars

Jason Newsted - Bass

San Francisco Symphony Orchestra

Conductor : Michael Kamen

Berkeley Community Theatre, Berkeley

California 1999

ب) با تشکر از دوست گرامی آقای دکتر محمدی که سخاوتمندانه تمام آرشیو موسیقی متالیکا و نیز فیلم این کنسرت را برای نگلشتن این مقاله در اختیار اینجانب قرار دادند.

